

ارزیابی نقش جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه در پرتو
اصول حاکمیت و مداخله در سیاست جهانی و حقوق بین‌المللمرتضی رفیعی بصیری^۱ | مهدی جاودانی مقدم^۲ | داود کیانی^۳

چکیده

نقش ایران در سوریه نه تنها در جنگ اخیر، بلکه به موازات تاریخ، گسترده است به گونه‌ای که این روابط را می‌توان کهن‌ترین روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران با یکی از کشورهای عربی در منطقه خاورمیانه دانست. در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران، همکاری‌های دو کشور بیشتر ناشی از وجود دشمن مشترک بوده است. بنابراین وجود رژیم بعث عراق و رژیم صهیونیستی و اکنون افراطی‌گرایی سلفی به‌عنوان دشمنان مشترک دو کشور، مهم‌ترین متغیرهای موثر بر اتحاد استراتژیک ایران و سوریه بوده‌اند. این پژوهش تلاش دارد تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و از منظر اصول حاکم بر سیاست جهانی در منطقه خاورمیانه و مبانی حقوق بین‌الملل به این پرسش پاسخ دهد که «نقش ایران در بحران سوریه با توجه به منطق رئالیستی حاکم بر سیاست جهانی در منطقه خاورمیانه و قواعد حقوق بین‌الملل چگونه قابل ارزیابی است؟» یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران، با استناد به اصالت حاکمیت و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل و متکی بر مداخله با دعوت و رضایت از سوی دولت سوریه و در چارچوب رئالیسم تدافعی و موازنه تهدید، حفظ امنیت خود را از امنیت سوریه آغاز کرده است.

کلیدواژه‌ها: بحران سوریه؛ سیاست جهانی؛ حقوق بین‌الملل؛ دفاع مشروع؛ مداخله با دعوت و رضایت، جمهوری اسلامی ایران

۱. دانشجوی دوره دکتری، گروه روابط بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، بدون شک، یکی از مهم‌ترین تحولات منطقه خاورمیانه در چهار دهه اخیر بود که ساختار نظم و امنیت منطقه‌ای را متحول ساخت. ایران که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ژاندارم منطقه و حافظ منافع بلوک غرب و دولت‌های محافظه کار عربی به حساب می‌آمد، با استقرار نظام سیاسی جدید، سیاست خارجی متفاوت و انقلابی‌ای را در دستور کار خود قرار داد. این مسأله، سبب تغییر ائتلاف‌ها و اتحادهای منطقه‌ای شد بگونه‌ای که ایران به عنوان کشور پیشرو در تقابل با غرب و متحدان منطقه‌ای آن بویژه رژیم صهیونیستی، به همکاری و همگرایی با دولت‌های انقلابی منطقه روی آورد که در این میان، دولت سوریه، نقش مهمی را بر عهده گرفت. (رضازاده و نجفی، ۱۳۹۵: ۱۴۵-۱۴۶). این وضعیت، سرآغاز روابط راهبردی جمهوری اسلامی ایران و دولت سوریه در پرتو دشمن مشترک آنان یعنی رژیم صهیونیستی و سپس رژیم بعث عراق شد. در این شرایط، دولت‌های عربی و غربی بارها تلاش کردند تا با ارائه پیشنهادها متعدد از جمله تلاش برای بازگرداندن جولان به سوریه و همچنین ارائه حمایت‌های اقتصادی و سیاسی، زمینه واگرایی در روابط سوریه با ایران و ورود این کشور به فرایند مذاکرات صلح خاورمیانه را بوجود آورند که همواره با شکست مواجه شد. این مسأله با ظهور بحران سوریه از سال ۲۰۱۱ میلادی سبب شد تا دولت‌های عربی و غربی به دنبال تغییر نظام سیاسی این کشور و تضعیف جبهه مقاومت در خاورمیانه به عنوان مقدمه‌ای بر تغییر نظم منطقه‌ای برآیند. در این شرایط، قدرت‌گیری جریان‌های سلفی در سوریه با حمایت دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، منوط روابط راهبردی ایران و سوریه در جلوگیری از ظهور تهدید مشترک را تقویت نمود.

در این چارچوب، بحران سوریه به یکی از مهمترین نقاط عطف مناسبات ایران و سوریه و یکی از مهمترین تحولات منطقه خاورمیانه در دو دهه اخیر تبدیل شد. با این وجود، اگرچه این بحران با توجه به نقش آن در رشد فعالیت جریان‌های سلفی در منطقه و تقویت جبهه مقاومت و همچنین حضور حمایتی ایران در خاورمیانه، از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته اما علی‌رغم اهمیت واکاوی ابعاد مختلف این بحران، متأسفانه آثار موجود، کمتر به بررسی نقش ایران در این بحران بر اساس منطق اصول حاکم بر سیاست جهانی و در پرتو قواعد حقوق بین‌الملل پرداخته‌اند این در حالی است که حضور ایران در سوریه کاملاً منطبق با قواعد حقوق بین‌الملل و رویکرد واقع‌گرایانه حاکم بر مناسبات میان کشورهای منطقه خاورمیانه است. در این میان، نکته قابل تأمل این است که

از آغاز جنگ سوریه، علی رغم اینکه برخی دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، از شروع بحران در سوریه به عنوان فرصتی برای تضعیف و در صورت امکان، تغییر نظام سیاسی آن استفاده کرده و به حمایت از برخی گروه‌های تندرو در اپوزیسیون حکومت سوریه و حتی گروه‌های سلفی رادیکال روی آوردند، جمهوری اسلامی ایران تلاش‌هایی را برای مدیریت بحران و حل مسالمت آمیز آن از طریق دولت سوریه پیگیری نمود. (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۲۴) باین وجود، در آثار پژوهشی متعدد در خارج از کشور به نقد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تاکید بر ماهیت نظامی و غیرقانونی مشارکت ایران در جنگ سوریه از دیدگاه حقوق بین‌الملل تاکید شده است. بنابراین مسلماً ارائه پژوهش‌هایی مانند مقاله حاضر برای تبیین اقدامات ایران در منطقه یک ضرورت اساسی است که در صورت عدم توجه به آن، مشکلات و چالش‌هایی برای اقناع نخبگان و افکار عمومی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به وجود می‌آورد. براین اساس، این مقاله تلاش دارد تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و از منظر اصول حاکم بر سیاست جهانی در منطقه خاورمیانه و مبانی حقوق بین‌الملل به این پرسش اصلی پاسخ دهد که «نقش ایران در بحران سوریه با توجه به منطق رئالیستی حاکم بر سیاست جهانی در منطقه خاورمیانه و قواعد حقوق بین‌الملل چگونه قابل ارزیابی است؟» یافته‌های این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران، با استفاده از مبانی دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل و بر اساس اصالت حاکمیت در حقوق بین‌الملل و مداخله با دعوت و رضایت دولت سوریه و در چارچوب رئالیسم تدافعی و موازنه تهدید، حفظ امنیت خود را از امنیت سوریه آغاز کرده است.

پیشینه پژوهش

بحران سوریه یکی از موضوعاتی است که به دلیل اهمیت و پیامدهای آن از زوایای مختلفی مورد توجه قرار گرفته و آثار پژوهشی مختلفی درباره آن نوشته شده است. در این میان، با توجه به نقش جمهوری اسلامی ایران در این بحران، پژوهشگران مختلفی به ارزیابی این مساله از زوایای مختلف پرداخته اند هرچند که تبیین نقش ایران در بحران سوریه در پرتو منطق سیاست بین‌الملل از زاویه معیارها و ضوابط حقوق بین‌الملل، از موضوعاتی است که تا کنون کمتر به آن پرداخته شده است. باین وجود، برخی از پژوهش‌های صورت گرفته مرتبط با این موضوع را می‌توان به صورت زیر مورد بررسی قرار داد:

دسته اول، آثاری است که به بررسی بحران سوریه و نقش بازیگران موثر بر آن پرداخته است و در بخش‌هایی از بررسی خود، به نقش جمهوری اسلامی ایران نیز اشاره ای داشته‌اند. این دسته آثار تلاش داشته‌اند تا به زمینه‌ها و ریشه‌های ظهور بحران سوریه و اهداف و منافع هر یک از بازیگران در این بحران بپردازند. دسته دوم آثاری است که به صورت خاص به بررسی سیاست ایران در قبال بحران سوریه پرداخته‌اند. در این آثار با تمرکز بر روابط ایران و سوریه پس از انقلاب اسلامی، با تبیین دلایل اهمیت سوریه برای ایران، به زمینه‌های همکاری و همگرایی دو کشور در چهار دهه گذشته و بویژه در بحران سوریه اشاره شده است. در نهایت در دسته سوم آثار موجود مرتبط با این پژوهش، تلاش کرده‌اند تا صرفاً از منظر حقوق بین‌الملل به تبیین بحران سوریه بپردازند. در این چارچوب، با بررسی دو بحث مداخله و حاکمیت در حقوق بین‌الملل به تبیین چرایی و چگونگی رابطه این دو مقوله در حقوق بین‌الملل در قبال بحران سوریه پرداخته شده است. در جدول شماره ۱ هدف و خلاصه یافته‌های این پژوهش‌ها تشریح شده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهشی مرتبط با سیاست ایران در قبال بحران سوریه از منظر سیاست جهانی و حقوق بین‌الملل

نویسندگان	سال پژوهش	سؤال اصلی	یافته‌های پژوهش
حاجی یوسفی	۲۰۲۱	سیاست ایران در قبال جنگ داخلی سوریه چه بوده و چه تغییری داشته است؟	سیاست ایران در جنگ داخلی سوریه از حمایت از حق تعیین سرنوشت مردم سوریه از طریق ابزارهای دیپلماتیک (صلح‌طلبی لیبرال) به حمایت از مداخله نظامی روسیه (مداخله‌گرایی لیبرال) متحول شده است.
بایرام سینکایا	۲۰۲۱	اهداف و انگیزه‌های واقعی ایران از حضور در بحران سوریه چیست؟	منافع متعدد ایران برای حفظ موقعیت خود در سوریه، دلیل اصلی حضور در بحران سوریه بوده است
محمدی و ذاکریان	۱۳۹۹	سیاست و موضع‌گیری جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه متأثر از چه عوامل و الزاماتی بوده است؟	سیاست خارجی ایران و به ویژه مشارکت آن در جنگ داخلی سوریه نشان دهنده عملگرایی با هدف حفظ موازنه قدرت و حداکثرسازی امنیت خود در کنار حفظ و بسط هویت انقلابی (از جمله اخلاق مذهبی و ارزشهای هنجاری) بوده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهشی مرتبط با سیاست ایران در قبال بحران سوریه از منظر سیاست جهانی و حقوق بین‌الملل

نویسندگان	سال پژوهش	سؤال اصلی	یافته‌های پژوهش
حکیم و غلامی	۱۳۹۹	(با توجه به توازن قوا در منطقه) جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در بحران سوریه، با چه چالش‌ها و فرصت‌هایی مواجه بوده و این بحران چه پیامدهای مثبت و منفی برای هر کدام دارد؟	ایران و رژیم صهیونیستی بر اساس ملاک‌ها و عواملی مانند: نوع نظام سیاسی دو قدرت، جبر جغرافیایی، نوع تعریف و پاسخ‌های دو کشور به تهدیدات و فرصت‌ها، به کنترل یکدیگر رو به توازن قوا علیه هم در راستای افزایش قدرت خود و کاهش و محدود کردن یکدیگر در منطقه رو آوردند.
خطیب	۲۰۲۰	سیاست ایران در منطقه در پرتو بحران سوریه چگونه بوده است؟	مداخله ایران در سوریه با هدف تثبیت هلال شیعه از ایران به سمت دریای مدیترانه بود.
نجات پور و وهاب زاده	۱۳۹۸	بحران سوریه چه نقشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد؟	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در واکنش به بحران سوریه تلاش می‌کند با سیاست تدافعی و با حضور موثر در منطقه، امنیت نسبی خود را در شرایط خاص نامنی در منطقه افزایش دهد.
احمدیان و محسنی	۲۰۱۹	انگیزه‌های اصلی در تصمیم‌گیری ایران در بحران سوریه چه بوده‌اند؟	منطق بازدارندگی که شکل دهنده راهبرد ایران در قبال سوریه از زمان انقلاب اسلامی بوده است، به دنبال جنگ داخلی سوریه و احتمال شکست آن، به نقش‌آفرینی ایران در سوریه منجر شده است
رمضانی قوام آبادی و پیری	۱۳۹۷	آیا شکل‌گیری، اقدامات و مداخله ائتلاف علیه داعش از منظر حقوق بین‌الملل، مشروع است؟	این دولت‌ها در قالب ائتلاف، اقدام به تفسیر مقوله‌های مختلف حقوق بین‌الملل نموده و با توسل به زور در خاک دولت میزبان، اصول بنیادین منشور و حقوق بین‌الملل را به چالش کشیده‌اند لذا مداخلات آنان فاقد وجهت‌منشوری در

جدول ۱. پیشینه پژوهشی مرتبط با سیاست ایران در قبال بحران سوریه از منظر سیاست جهانی و حقوق بین‌الملل

نویسندگان	سال پژوهش	سؤال اصلی	یافته‌های پژوهش
			حقوق بین‌الملل معاصر است
بازرگان و پوراحمدی مبدی	۱۳۹۷	چرا جمهوری اسلامی ایران برای روابط با سوریه و حضور در بحران این کشور اهمیت خاص استراتژیک قائل است؟	سوریه، به دلیل برخوردار بودن از عمق استراتژیک منطقه‌ای و اعمال بازدارندگی مقابل تهدیدهای موجود و ممکن منطقه‌ای بویژه رژیم صهیونیستی، علوی (شیعی) بودن دولت سوریه و نقش بسیار مهم این کشور در محور مقاومت، جایگاه مهمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد
کشیشیان سیرکی و سهیلی نجف آبادی	۱۳۹۷	سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال تحولات بیداری اسلامی به ویژه در مورد بحران سوریه چه بوده است که زمینه‌ساز افزایش نفوذ ایران در منطقه شده است؟	ایران خواهان گسترش ارزش‌های هویتی خود در منطقه است، اما سعی دارد تا با نفوذ بیشتر در منطقه با بهره‌گیری از سیاست اتحاد با روسیه، نخست امنیت ملی خویش و پس از آن، منافع ملی خود را تأمین نماید.
قریشی	۲۰۱۸	آیا مداخله آمریکا در بحران سوریه با توجیه عدم توان یا تمایل دولت سوریه در مقابله با تروریسم از نظر حقوق بین‌الملل قابل توجیه است؟	توسل به زور با این استدلال نه تنها قابل قبول نبوده بلکه آستانه استفاده از زور تعیین شده توسط منشور ملل متحد را کاهش می‌دهد.
زمانی و زمانیان	۱۳۹۵	دکترین مسوولیت حمایت در بحران سوریه چرا و چگونه پیگیری شده است؟	با توجه به وظیفه ذاتی شورای امنیت در برقراری صلح و امنیت بین‌المللی، این شورا به دلیل اختلاف میان اعضای دائم خود، بنا به مصالح و منافع متفاوت آنان از اعمال مسوولیت حمایت ناکام بوده است.

با مروری بر آثار منتشر شده مرتبط با این مقاله، مشاهده می شود که در مجموعه پژوهش هایی که سابقاً صورت گرفته است بر یکی از دو بعد سیاسی یا حقوقی مسأله توجه شده است این در حالی است که این مقاله تلاش دارد تا ضمن واکاوی منطق حضور ایران در بحران سوریه بر اساس واقعیات سیاست بین الملل و ملاحظات راهبردی در روابط ایران و سوریه، مشروعیت اقدامات ایران را از نظر حقوق بین الملل نیز مورد ارزیابی قرار دهد.

مبانی نظری

تبیین نقش ایران در بحران سوریه از یکسو مستلزم شناخت منطق حاکم بر روابط میان کشورهای منطقه و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر بررسی آن بر اساس قواعد حاکم بر حقوق بین الملل است. بدین منظور در این قسمت، ابتدا به بررسی حاکمیت و مداخله در رویکرد واقع گرایی در سیاست جهانی پرداخته می شود و پس از آن تعارض حاکمیت و مداخله در بحران سوریه از دیدگاه حقوق بین الملل تبیین می گردد تا در قسمت بعد، تحلیل و تطبیق نقش ایران در بحران سوریه بر اساس آن ارائه گردد.

منطق موازنه قوا و موازنه تهدید در سیاست جهانی

یکی از مهمترین عناصر مقوم نظام بین المللی و ستفالیایی از ابتدای شکل گیری تا کنون، اصالت حاکمیت بوده است. این مسأله از آنچنان اهمیتی برخوردار بوده که هر یک از دولت ها، انرا در صدر اهداف و منافع ملی خود تعریف کرده و همواره تلاش داشته اند تا از هر گونه مداخله خارجی در امور داخلی و سیاست خارجی خود جلوگیری کنند بااین وجود، واقعیت روابط بین الملل نشان می دهد که دولت ها همواره با توجیهات و بهانه های مختلف درصدد افزایش قدرت و حوزه نفوذ خود در سایر مناطق برآیند که مسلماً نتیجه آن، تعارض با حاکمیت سایر کشورها بوده است. در این میان، دیدگاه مسلط بر روابط بین الملل از گذشته تا کنون، مکتب واقع گرایی یا رئالیسم بوده که با تمرکز بر کلیدواژه قدرت، درصدد تبیین رفتار دولت ها در سیاست بین الملل بوده است.

از منظر تبارشناسی، اندیشه‌های اولیه رئالیستی را می‌توان در کتاب جنگ‌های پلوپونزی اثر تویسیدید در ۴۰۰ سال پیش از میلاد و سپس در آثار سایر بنیانگذاران این مکتب مانند کتاب شهریار از ماکیاوول و یا کتاب لویاتان از هابز و آثار برخی از دیگر از واقع‌گرایان مانند نیبور، کار و... مشاهده کرد. از دیدگاه آنان، در سیاست بین‌الملل، دولت‌ها به عنوان بازیگر اصلی به دنبال بیشینه‌سازی قدرت هستند. براین اساس، همواره در پرتو فضای آنارشی نظام بین‌الملل، نوعی معمای امنیت وجود داشته که به اجتناب ناپذیری جنگ منجر می‌شود. این مساله به معنای جنگ طلب بودن رئالیسم نیست چنانچه جورج لیتل از اندیشمندان بزرگ واقع‌گرایی، یک صلح طلب افراطی بود. همچنین مارتین وایت که مبدع سنتها در واقع‌گرایی و نویسنده کتاب "سیاست قدرت" به عنوان یکی از تاثیرگذارترین کتابها در قرن بیستم به شمار می‌آید نیز یک مسیحی صلح طلب بود. در این زمینه، حتی مورگنتا که پدر فکری واقع‌گرایان مدرن می‌باشد، در کتاب "سیاست میان ملت‌ها"، انترناسیونالیسم در نظریات آدلف هیتلر را به عنوان رفتاری امپریالیستی و غیراخلاقی بشمار آورده و آنرا به شدت محکوم نموده و بر ضرورت احترام متقابل دولت‌ها به منافع یکدیگر تاکید کرده است (Gilpin, 2001:15-16). از این منظر، رویکرد واقع‌گرایی، رویکردی عملگرایانه بر اساس تجربه سیاسی بوده و بر استفاده حداکثری از قدرت ملی در جهت تأمین منافع ملی، تمرکز دارد. سیاست خارجی واقعگرا نیز سیاستی منفعت‌گراست که اولویت را بر کسب حداکثری منافع ملی براساس قدرت ملی تعریف می‌کند.

در این میان، اگرچه در نگرش اولیه واقع‌گرایان، برداشت‌های ذهنی و ساختار داخلی دولت‌ها چندان مورد توجه قرار نداشت اما با گذر زمان، نحله‌هایی از رئالیسم از جمله واقع‌گرایان نوکلاسیک پیدا شدند که بر این مقولات نیز توجه ویژه‌ای داشتند. باین وجود، در میان نظریه نوکلاسیک واقع‌گرایی نیز دو دیدگاه متفاوت مطرح شده است. واقع‌گرایی تهاجمی^۱ معتقد است که به علت آنارشیک بودن ماهیت نظام بین‌الملل مخاصمه در نظام بین‌الملل اجتناب‌ناپذیر است و آنارشی دولت‌ها را وادار می‌سازد قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند. از سوی دیگر، واقع‌گرایی تدافعی^۲ بر این اعتقاد است که در شرایط آنارشی بین‌المللی، دولت‌ها با درک این شرایط، رفتاری تهاجمی از خود بروز نمی‌دهند بلکه آنها صرفاً در وضعیتی که احساس کنند تهدیدی علیه آنها وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند که این واکنش نیز اغلب تنها در

1. Aggressive realism
2. Defensive realism

سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است. (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۱۴) از دیدگاه استفن والت^۱، موضوعی که کشورها را به موازنه سازی ترغیب می کند نه افزایش قدرت بلکه افزایش تهدید است. بدین ترتیب موازنه تهدید^۲ نوعی از موازنه است که معتقد است ائتلاف ها جهت موازنه در قبال تهدیدات شکل می گیرند و نه قدرت. (Person, 2017: 48-50) در واقع، والت به عنوان واضح اصلی نظریه موازنه تهدید معتقد است که دولت ها نه در برابر توانمندیهای دیگر دولت ها، بلکه در برابر تهدیدات خارجی که بر حسب توانمندی ها و ادراک از تهدید شکل می گیرند، دست به موازنه و اقدامهای موازنه ساز می زنند. بنابراین آنچه در روابط میان دولت ها حائز اهمیت است برداشت آنها از یکدیگر به عنوان تهدید است و نه صرف میزان قدرت هر یک از آنها. بدین ترتیب دولت ها در برابر آن دسته از دولت هایی دست به موازنه می زنند که تهدیدی نسبت به موجودیت و یا منافع آنها باشند. در اینجا اقدام های موازنه ساز می توانند در قالب همکاری، اتحاد و یا منطقه گرایی در برابر قدرت و تهدید برون منطقه ای باشند (Nuruzzaman, 2021: 259-260) باید توجه داشت تهدیدات معاصر بسیار متفاوت از گونه های سنتی آن بوده و صرف اتکاء به نظریات و الگوهای «تحلیلی- برآوردی» سنتی دیگر جوابگوی ارزیابی تهدیدات نوین نیست. گستره تهدید، زمان تهدید، عمق تهدید، تکرار تهدید، دامنه تهدید و مکان تهدید از جمله فاکتورهای لازم جهت ارزیابی تهدیدات به شمار می آید. (کاظم پور وبهرامی ۱۳۹۷: ۲-۴)



شکل ۱. موازنه قوا و موازنه تهدید در روابط بین الملل (منبع: نویسندگان)

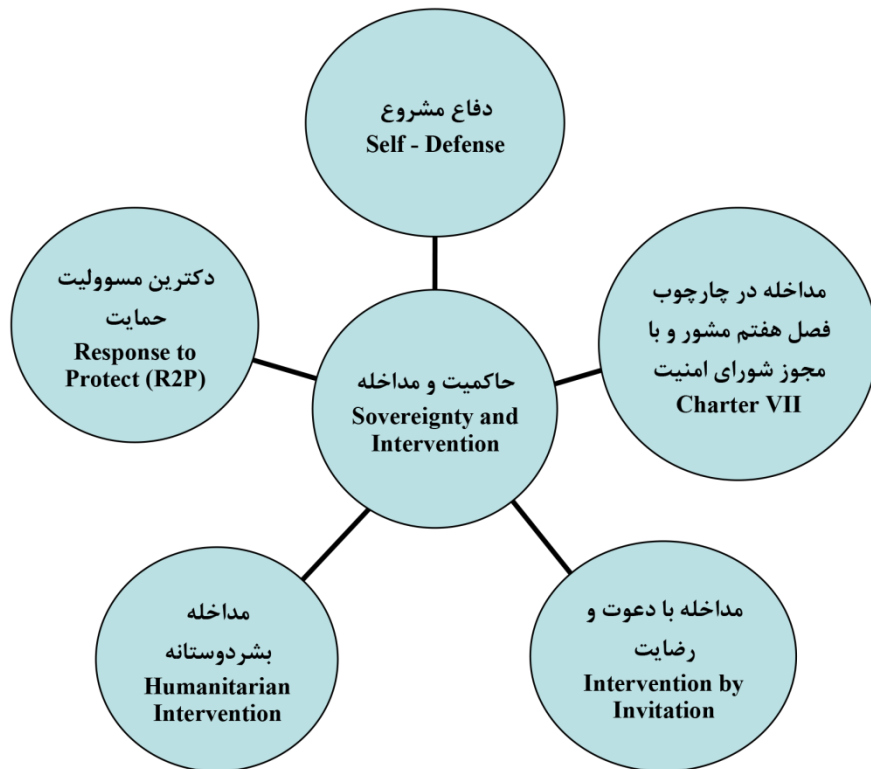
1. Stephen Walt
2. Balance of Threat

در این چارچوب، منطق رفتار جمهوری اسلامی نسبت به تحولات منطقه ای در برخی کشورهای منطقه خاورمیانه و بویژه سیاست حمایت‌گرایانه آن از نظام سوریه در بحران اخیر این کشور، منطبق با این رهیافت واقع‌گرایانه در روابط بین‌الملل است زیرا که از نظر سیاست‌گذاران خارجی ایران، حفظ دولت سوریه به حفظ منافع ملی و منطقه ای ایران از طریق مقابله با تهدیدی که علیه جمهوری اسلامی ایران وجود داشته و در پرتو بحران سوریه تشدید شده است کمک می‌کند. از سوی دیگر، با حضور بازیگران متفاوت در این بحران و قرار گرفتن منافع متعارض آنها در مقابل یکدیگر، عملاً یک رقابت ژئوپلیتیک مبتنی بر قدرت شکل گرفته که در این بازی با حاصلجمع صفر، برد یکی از طرفین، به معنای باخت دیگری تلقی می‌شود (سیف زاده ۱۳۸۵: ۲۳۸-۲۳۹). لذا در این شرایط، مهمترین هدف در سیاست خارجی ایران، تأمین و تضمین بقا و امنیت دو کشور ایران و سوریه در نظام بین‌الملل آنارشیک و خودیار از طریق ایجاد نوعی موازنه تهدید است. به عبارت دیگر، ایران تلاش کرده تا از طریق حفظ نظام سوریه و تقویت جبهه مقاومت، به مقابله با تهدیداتی که فراروی امنیت ملی آن قرار گرفته پردازد. بنابراین رفتار جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه را می‌توان در قالب رویکرد واقع‌گرایی تدافعی و تلاش برای ایجاد نوعی موازنه تهدید تبیین نمود.

پارادوکس حاکمیت و مداخله در حقوق بین‌الملل

بحران‌های بین‌المللی مانند بحران سوریه را می‌توان آوردگاه تعارض دو مفهوم بنیادین و پیچیده حقوق بین‌الملل و سیاست جهانی دانست. از یکسو، روابط بین‌الملل از گذشته با تمرکز بر منطق واقع‌گرایی (موازنه قوا یا موازنه تهدید) تداوم یافته و از سوی دیگر، از زمان معاهده وستفالیایی در قواعد حقوق بین‌الملل، با تمرکز بر عنصر حاکمیت تلاش شده تا دو بعد داخلی و خارجی حاکمیت (اقتدار و استقلال)، تقدیس و تکریم شود. در واقع، نظم وستفالیایی با عنصر حاکمیت تا کنون به حیات خود ادامه داده اگرچه در این مدت، تحول در مفهوم حاکمیت در حقوق بین‌الملل، زمینه تغییر ماهیت آن از حاکمیت مطلق به حاکمیت محدود، مشروط و مقید یا در چارچوب حاکمیت توأم با مسوولیت را بوجود آورده است. در این شرایط، تحولات متعددی که در روابط بین‌الملل به فرسایش حاکمیت منجر شد، زمینه را برای تفسیر مضیق از حاکمیت و

توسعه موارد مجاز به مداخله توسط سایر کشورها در حقوق بین‌الملل را بوجود آورده است. این مساله بویژه در پایان جنگ سرد، در قالب مداخله بشردوستانه^۱ مورد تاکید قرار گرفته و سپس در اشکال دیگر مانند دکترین مسئولیت حمایت^۲ نیز بر آن تاکید شده است.



شکل ۲. حاکمیت و مداخله در حقوق بین‌الملل (منبع: نویسندگان)

براین اساس، امروزه در بررسی بحران سوریه از دیدگاه حقوق بین‌الملل، انواع مداخله بازیگران موثر در این بحران از نظر دفاع مشروع، مداخله بشردوستانه، دکترین مسئولیت حمایت، مداخله با رضایت و دعوت و... مطرح شده که در ادامه پس از بررسی زمینه‌ها و ریشه‌های بحران سوریه و پیشینه روابط راهبردی ایران و سوریه، در مبنای حضور ایران در بحران سوریه از دیدگاه حقوق بین‌الملل به آنها اشاره می‌شود.

1. Humanitarian Intervention
2. Response to Protect

زمینه‌ها و ریشه‌های بحران سوریه

این واقعیت که بیشتر حکومت‌های خاورمیانه، دموکراتیک نیستند و توسط خاندان‌های پادشاهی اداره می‌شوند، نقطه کلیدی در فهم بسیاری از تحولات این منطقه به حساب می‌آید. در این چارچوب، شورش علیه حاکمیت‌های استبدادی مستقر و سرکوب آن توسط نظام‌های سیاسی نیز یک واقعیت مستمر در تاریخ این منطقه بوده است. لذا طبیعی است که با شعارهای آزادی خواهی به بهانه حفظ امنیت، وحدت سرزمینی، مقابله با نفوذ خارجی و اجرای مناسک دینی و با اعلام "وضعیت اضطراری" مخالفت شده و در بسیاری موارد، حقوق شهروندی عملاً ملغی می‌گردد تا حفظ وضعیت موجود استمرار یابد. در واقع، استبداد و فساد درون کشورهای اسلامی و منفعت طلبی طبقه حاکمه، بحران مشروعیت را موجب شده و عدم توجه به مشکلات اقتصادی و فقر جامعه، اعتراض ساختاری را بوجود می‌آورد که این مساله، بستر ساز تروریسم می‌شود؛ برخی جریان‌ها از جمله سلفی‌ها از این ضعف سواستفاده کرده و بر امواج عدالت خواهی مسلمانان، تروریسم را پایه گذاری می‌کنند. (میراحمدی و ولدبیگی: ۱۳۹۵: ۱۲۶-۱۲۷) تحولات "بهار عربی" که با خودسوزی یک دستفروش در سال ۱۳۸۹ در کشور تونس آغاز گردید و با شتاب شگرفی به مصر، لیبی، یمن، سوریه و بحرین گسترش یافت نیز در این قالب شکل گرفت و با بکارگیری قدرت سخت از سوی دولت‌های این منطقه ابتدا به بحران‌های داخلی و سپس بحران‌های پیچیده بین‌المللی تبدیل شدند که نمونه بارز آن، بحران سوریه بود. (بذرافکن و جاودانی مقدم: ۱۳۹۱: ۱۵) با این وجود، منافع متعارض قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در شکل‌گیری و استمرار بحران سوریه را نیز نباید نادیده گرفت چنانچه بسیاری از صاحب نظران در تحلیل سیاسی و علت‌یابی جنگ سوریه، آن را منازعه بر سر موازنه قدرت میان بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی می‌دانند.

پیشینه و دلایل شکل‌گیری منطق موازنه تهدید در روابط راهبردی ایران و سوریه

در سال ۵۳۹ قبل از میلاد، تحت فرماندهی کوروش، ایرانیان سوریه را به امپراتوری خود ضمیمه کردند. ساتراپی سوریه عبارت بود از حکمرانی‌های آشور، فنیقیه، سامرا، یهودا و قبرس. ایرانیان از سال ۵۵۰ تا ۳۳۲ پیش از میلاد بر سوریه تسلط داشتند. (هیئتس: ۱۳۹۲: ۳۰۶-۳۰۸) اهمیت

سرزمین‌های فینیقیه، سوریه، غزه و بابل تا پایان حکومت هخامنشیان، به قوت خود باقی بود و شاهان هخامنشی حاضر نبودند دست از این مناطق بردارند. بسیار پیش‌تر از هخامنشیان نیز شواهدی از حضور آریایی‌ها در سوریه و فلسطین در دست است. پی‌یر لوکوک این شواهد را متعلق به ۱۴ قرن پیش از میلاد می‌داند. (لوکوک ۱۳۸۲: ۳۲-۳۳) با این وجود، علی‌رغم فراز و فرود در روابط دو کشور در دوره‌های مختلف تاریخی تاکنون، مسلماً اوج‌گیری همگرایی در تعاملات دو کشور و دستیابی به سطح روابط راهبردی در روابط ایران و سوریه مرهون شرایطی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بوجود آمده است. در این زمینه، مهمترین دلایل شکل‌گیری روابط راهبردی آنان را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

اهمیت ایدئولوژیک - ژئوپلیتیک

موقعیت سوریه در شام، آن را در قلب دکترین امنیت ملی ایران قرار می‌دهد، زیرا سوریه کلید حفظ دسترسی زمینی به حزب الله لبنان، جلوگیری از بی‌ثبات کردن ایران توسط تروریسم و به چالش کشیدن سلطه رقبای ایران در منطقه است. (Azizi 2019: ۵-۳) همچنین علوی بودن رهبر سوریه و قرار گرفتن حرم حضرت زینب (سلام الله علیها) در آنجا، رابطه استراتژیک دو کشور را با چاشنی ایدئولوژیک تقویت کرده است، درعین حال، دشمنی راهبردی ایران و رژیم بعثی صدام و همچنین رژیم صهیونیستی و همجواری سوریه با این رژیم و سیاست‌های تقابلی گرایانه دولت‌های سوریه با رژیم صهیونیستی از زمان تاسیس آن تا کنون و قرار گرفتن سوریه در جبهه مقاومت و بویژه موقعیت راهبردی این کشور به عنوان ستون فقرات جبهه مقاومت و نقش آن در حفظ ارتباط زمینی با حزب الله لبنان، به تقویت روزافزون این اتحاد یاری رسانده است. (Bassiri Tabrizi and Pantucci, 2016: 10-14) در این چارچوب، برخلاف تحلیل برخی از پژوهشگران که دلیل اتحاد ایران و سوریه را هویت مشترک شیعی می‌دانند، وجود منافع استراتژیک ناشی از تهدیدات منبث از دشمنان مشترک در عراق، رژیم صهیونیستی، آمریکا و اخیراً گروه‌های تروریستی شبه دولتی، مهمترین دلایل شکل‌گیری روابط راهبردی میان دو کشور است. (Wallsh, 2013) این مساله از چنان اهمیتی برخوردار بوده که برخی مقامات صهیونیستی بر گسترش محور محکم به هم پیوسته ایران، سوریه، حزب الله و حماس در خدمت اهداف ایران تاکید کرده‌اند. (یلعون، ۲۰۰۸: ۶۵) باین وجود، این مساله، نافی مبانی ایدئولوژیک تقویت روابط

ایران و سوریه بویژه در خلال بحران اخیر این کشور نبوده است. چنانچه بر اساس اصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حفظ اتحاد و ائتلاف با دولت‌ها و ملت‌های مسلمان از جمله دولت و ملت سوریه از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد: "به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امت اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. (هاشمی، ۱۳۸۲)"
 در این زمینه، مقام معظم رهبری در حمایت جمهوری اسلامی ایران از دولت سوریه در بحران اخیر این کشور فرمودند: جمهوری اسلامی ایران کمک به دولت و ملت سوریه را کمک به حرکت و جریان مقاومت می‌داند و از صمیم قلب به آن افتخار می‌کند جمهوری اسلامی ایران در کنار ملت و دولت سوریه از همان ابتدای بحران در کنار دولت سوریه صادقانه ایستادگی کرد. هم چنین سوریه با استقامت و همراهی مردم آن توانست در مقابل یک ائتلاف بزرگ از آمریکا، اروپا و متحدان آنها در منطقه ایستادگی کند و با پیروزی از این حادثه خارج شود. (khamenei.ir: ۱۳۹۷/۱۲/۶) این سیاست به معنای پیوند منافع ناشی از محاسبات واقع‌گرایانه موازنه تهدید و منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران است.

پیوند ناسیونالیسم عربی و هویت ایرانی - اسلامی

علویان سوریه که عمدتاً جزو اقشار استثمارشده و مظلوم جامعه قبل از به قدرت رسیدن حافظ اسد بوده‌اند، هرگز نتوانستند بر مبنای ناسیونالیسم عربی یا جریان‌های فراگیر دیگر با برادران سنی خود پیوند برقرار سازند و همواره همبستگی دینی آنها بر سایر احساساتشان غلبه داشته است. ایدئولوژی ناسیونالیسم عربی موجود میان اعراب و ایرانیان باعث ناممکن شدن روابط دوجانبه بین اعراب و ایران شده بود، اما در سوریه بعد از آغاز حکومت حافظ اسد کشوری که تا مدت‌های مدیدی تحت سلطه پان عربی بود و تنها در قالب سکولاریسم حکومت می‌کرد، شرایط متفاوتی را تجربه کرد. این وضعیت، موقعیت راهبردی بسیار مناسبی را برای ایران فراهم کرد تا به افزایش نفوذ خود در سوریه از طریق پیوند میان ناسیونالیسم عربی رقیق شده در این کشور و هویت ایرانی اسلامی بپردازد. (اخوان کاظمی و ویسی، ۱۳۹۱: ۴۴) در چند سال گذشته، با فروکش کردن درگیری نظامی، ایران نفوذ فرهنگی خود را در این کشور جنگ‌زده گسترش داده است تا از

حمایت همه جریان های شیعه و بویژه اهل سنت این کشور که اکثریت ۷۴ درصدی جمعیت سوریه را تشکیل می دهند، برخوردار شود. (Vohra 2021)

حفظ و تقویت جبهه مقاومت

یکی از مهمترین دستاوردهای سیاست خارجی ایران، شکل گیری جبهه مقاومت، متشکل از بازیگران دولتی و غیردولتی در دو دهه اخیر است. جمهوری اسلامی ایران همواره تلاش کرده تا با سازماندهی این جبهه، به تقویت گفتمان مقاومت در منطقه مبادرت ورزد. در این میان، مسلماً برای ایران، حفظ تمامیت ارضی سوریه به دلیل اهمیت راهبردی آن در جبهه مقاومت، یکی از مهم ترین خطوط قرمز به حساب آمده است بنابراین در بحران سوریه نیز ایران تلاش کرده تا از «لبنانی شدن» این کشور یعنی تقسیم آن به نواحی رقیب و مناطق نسبتاً خودمختار جلوگیری کند. از نظر ایران، فروپاشی حکومت سوریه می تواند اوج گیری اتحاد گروه های افراطی سنی که ضد شیعه، ضد ایران و ضد حزب الله هستند را تسهیل کند و موازنه قدرت در منطقه را به شدت به زیان ایران تغییر دهد. لذا، ایران در خلال بحران سوریه، تلاش کرده تا به ساماندهی نیروهای مردمی حامی بشار اسد پردازد و هم اکنون نیروهای دفاع ملی یک سازمان شبه نظامی سوری است که به ارتش در مقابله با نیروهای معارض سوری کمک می کند. (Shahid Saless, 2015)

موازنه تهدید منطقه ای

یکی از مهم ترین دلایل شکل گیری و تداوم روابط راهبردی ایران و سوریه به موازنه تهدید منطقه ای باز می گردد. ایران از زمان شکل گیری انقلاب اسلامی، تلاش کرده تا با تقویت روابط با سوریه، از یکسو از ایجاد ائتلافی عربی علیه خود جلوگیری کرده و از سوی دیگر، در تقابل با دولت های عراق، عربستان و رژیم صهیونیستی به یارگیری منطقه ای و حفظ توازن قوا در منطقه اقدام کند. این مساله اخیراً به خصوص بعد از تقویت فعالیت گروه های تروریستی و تکفیری که به عنوان ابزاری برای برخی از بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای نیز تبدیل شده اند تشدید شده است. (Randa, 2015: 42)

مبانی نقش آفرینی جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه از دیدگاه حقوق بین‌الملل

همانگونه که اشاره شد، دو مفهوم حاکمیت و مداخله و نسبت و رابطه آنان در حقوق بین‌الملل، از موضوعات چالش برانگیز و پرابهام می‌باشد. در این زمینه، دفاع مشروع، مداخله در چارچوب فصل هفتم منشور با مجوز شورای امنیت، مداخله بشردوستانه، مداخله با رضایت و دعوت، دکترین مسوولیت حمایت، مبارزه با تروریسم و... مهم‌ترین نسبت‌های این دو مقوله را در حقوق بین‌الملل نشان می‌دهند. در ادامه تلاش می‌شود مهم‌ترین دلایل ایران برای حضور در بحران سوریه از دیدگاه حقوق بین‌الملل مورد ارزیابی قرار گیرد.

اصالت حاکمیت در حقوق بین‌الملل و مداخله با دعوت و رضایت دولت سوریه

حضور مستشاری ایران و مداخله نظامی روسیه در بحران سوریه، با رضایت دولت سوریه و دعوت این کشور از متحدین خود برای مقابله با شورشیان، بر اساس اصل حاکمیت در سرزمین سوریه صورت گرفته است. در این زمینه، مخالفان این استدلال معتقدند که بر اساس نظریه مشروعیت دموکراتیک، دولت سوریه به دلیل عدم برخورداری از مشروعیت دموکراتیک، نمی‌تواند دولت دیگری را برای حمایت از خود دعوت کند. این درحالی است که بر اساس آنچه در رای دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی قضیه نیکاراگوئه و جمهوری دموکراتیک کنگو مطرح شده، استقرار دولت حاکم و اعمال حاکمیت آن، شرط اصلی به حساب می‌آید. به علاوه که این شرایط در مورد بسیاری از کشورهای عربی خاورمیانه در حال حاضر صدق می‌کند. از سوی دیگر، برخی از مخالفین حضور ایران و روسیه در بحران سوریه، بر نداشتن کنترل موثر بر مرزهای خود توسط دولت سوریه تاکید می‌کنند که بر اساس آن در حقوق بین‌الملل، دولت خواهان کمک خارجی باید حداقلی از نظارت موثر بر مرزهای خود داشته باشد و آنگاه کشور ثالث را دعوت نماید این در حالی است که در بحران سوریه، شرایط سیاسی-امنیتی منطقه و استقرار داعش در عراق و در بخش‌هایی از سوریه و همچنین حضور برخی گروه‌های تروریستی-تکفیری در این کشور را باید در پیچیدگی این بحران و ناتوانی دولت مرکزی سوریه در کنترل بر

سرزمین خود افزود. علاوه بر این، دولت‌های ایران و روسیه نیز می‌توانند مانند سایر کشورها به دفاع مشروع در قبال بحران سوریه نیز استناد کنند (نیکوئی وزمانی، ۱۳۹۶: ۳۰۲).

براین اساس، در چارچوب اصالت حاکمیت و اصل عدم توسل به زور مصرح در ماده ۲ فصل اول منشور ملل متحد، دولت سوریه از دیدگاه حقوق بین‌الملل، به عنوان دولت قانونی مستقر در این کشور می‌تواند دولت‌های دیگر را از توسل به زور علیه خود منع کرده و سپس برای اعاده تمامیت ارضی خود از هر طریق بکوشد و از دیگر دولت‌های عضو منشور ملل متحد نیز استمداد بطلبد. در این راستا، روسیه و ایران نیز در اجرای این اصل منشور و به خواست دولت سوریه جهت رفع مخاصمه دست به مشاوره و مداخله نظامی در این کشور زده‌اند. در این میان، برخی از کشورهای غربی و عربی در توجیه قانونی بودن مداخلات خود در سوریه مدعی شده‌اند که با پذیرش شورشیان مسلح سوری به عنوان دولت قانونی سوریه، عملاً مداخله با رضایت آنان در این کشور از نظر حقوق بین‌الملل، مشروع می‌باشد. این در حالی است که بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل، معیارها و شرایطی برای شناسایی یک دولت وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آنها، «حاکمیت موثر»^۱ بر سرزمین است که این مساله در مورد شورشیان سوریه صدق نمی‌کند و لذا برخی اظهارات کشورهای غربی مانند بریتانیا و حتی اتحادیه عرب در شناسایی بخشی از گروه‌های مسلح معارض در سوریه به عنوان دولت قانونی این کشور، صرفاً بیانه‌ها و اقداماتی سیاسی محسوب شده و از نظر حقوق بین‌الملل قابل قبول نیست (Wilmshurst, 2013: 2-9).

مبارزه با تروریسم در چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت

حضور ایران و روسیه در بحران سوریه را می‌توان در راستای مبارزه با تروریسم نیز تبیین نمود. بر اساس آمار سازمان ملل، ۱۵ هزار تروریست خارجی از ۸۰ کشور برای جنگ از خارج از این کشور وارد سوریه شده‌اند. شورای امنیت طی قطعنامه‌های ۲۱۷۰ (۱۵ آگوست ۲۰۱۴) و ۲۱۷۸ (۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴) ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد، گروه‌های تروریستی مانند داعش، جبهه النصره و سایر سازمان‌های مرتبط با القاعده، را خطری علیه صلح و امنیت جهانی معرفی کرده و از همه کشورها خواسته است که به مقابله با این گروه‌ها بپردازند. علاوه بر این، این شورا پس از حوادث تروریستی پاریس در قطعنامه ۲۲۴۱، ضمن اعلام مجدد داعش به عنوان تهدیدی جهانی و

1. Achive Sovereignty

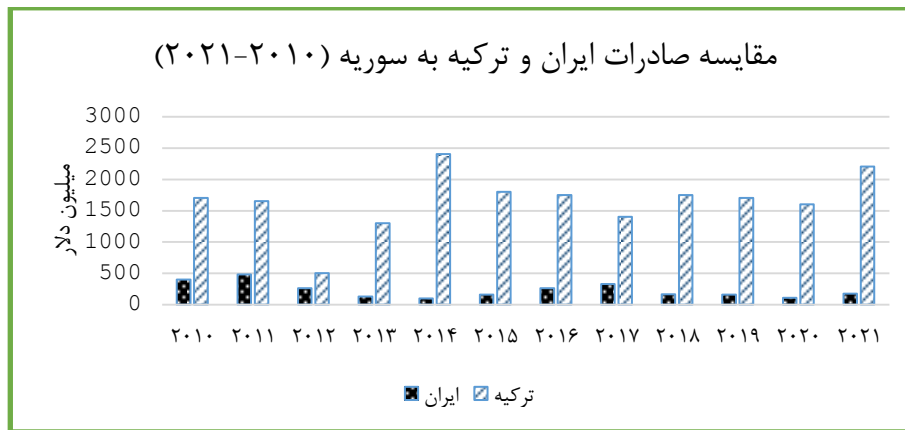
بی سابقه برای صلح و امنیت بین‌المللی، از همه کشورهای عضو که توانایی و ظرفیت لازم را دارا هستند درخواست می‌کند برای ریشه کنی و نابودی پناهگاه ایمن تروریست‌ها در عراق و سوریه، همه اقدامات لازم و ضروری را منطبق با منشور سازمان ملل، حقوق بین‌الملل بشر، حقوق پناهندگان و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در قلمرو سرزمینی تحت کنترل داعش در سوریه و عراق انجام دهند. با این وجود، مساله کلیدی در عدم امکان توسل به این استدلال از سوی ائتلاف علیه داعش و یا ترکیه و قطر برای مداخله در سوریه این است که زمانی که دولت سوریه درون قلمرو خود به مبارزه با این گروه‌های تروریستی پرداخته، تکلیف از دیگر کشورها ساقط است. بنابراین دولت سوریه می‌تواند در قالب دعوت از سایر کشورها، به مقابله با جریان‌های تروریستی مزبور اقدام کند و هر گونه مداخله دیگری در سوریه در این چارچوب، صرفاً با رضایت دولت مرکزی سوریه قابل قبول می‌باشد. (سعیدی و لهراسبی، ۱۳۹۷: ۱۵-۱۹)

چالش‌ها و موانع حضور جمهوری اسلامی در سوریه

با توجه به منطق موازنه تهدید و علی‌رغم مشروعیت نقش آفرینی ایران در سوریه از دیدگاه حقوق بین‌الملل، چالش‌ها و موانعی فراوانی تداوم نقش آفرینی ایران در سوریه وجود دارد. این موارد را می‌توان به شرح زیر مورد بررسی قرار داد:

ضعف در تدوین و اجرای راهبرد جمهوری اسلامی ایران در دوره پسابحران

یکی از مهمترین مولفه‌های موثر در موفقیت راهبرد هر کشور در قبال شرایط بحرانی، برنامه‌ریزی منسجم و هوشمند برای خروج از وضعیت بحرانی است. در این زمینه، اگرچه ایران با صرف هزینه‌های مادی و معنوی و همچنین بکارگیری نیروی انسانی خود توانسته نقش موثری در هدایت بحران سوریه تا کنون داشته و به تداوم نظام سیاسی این کشور کمک شایانی کند اما متأسفانه راهبرد ایران برای دوره پسابحران چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. در این زمینه کافی است بررسی مقایسه‌ای میان روابط تجاری سوریه با ایران و میزان تعاملات تجاری این کشور با ترکیه که یکی از کشورهای مخالف نظام بشار اسد در طول بحران این کشور بوده صورت گیرد تا عدم تدوین و اجرای راهبرد موفق در دوره پسابحران درک شود.



شکل ۲. مقایسه صادرات ایران و ترکیه به سوریه (۲۰۱۰-۲۰۲۱): منبع: (tradingeconomics, ۲۰۲۲)

شکندگی ائتلاف ایران و روسیه در سوریه

اگرچه ایران و روسیه در بحران سوریه به یک ائتلاف موفق دست یافته و مانع سقوط رژیم اسد و استقرار حاکمیت گروه های افراطی مانند جبهه النصره و یا سایر جریان های اپوزیسیون دولت سوریه شدند اما راهبرد، سیاست و اهداف و منافع ایران و روسیه در پسابحران سوریه متفاوت است. (فایز، ۲۰۱۷: ۶) این مساله سبب شده که در برخی موارد روسیه، ملاحظات سایر بازیگران مانند رژیم صهیونیستی در مورد استقرار نیروهای ایرانی در جولان را بر منافع و اهداف ملی ایران در سوریه ترجیح داده است. از سوی دیگر، ایران نسبت به تداوم حاکمیت بشار اسد در سوریه تاکید دارد و آنرا بخشی از منافع راهبردی و کلیدی خود در محور مقاومت و از جمله، دسترسی به لبنان و فلسطین و همچنین دریای مدیترانه می داند. (Александровна Шашок. 2022) این درحالی است که حفظ شخص بشار اسد برای مسکو مساله حیاتی به شمار نمی آید و معتقد است اگر اسد از مقام خود در سوریه کنار رود، احتمال بیشتری دارد سوریه بتواند به شکل بهتری به منافع روسیه در منطقه کمک کند. (عزتی، ۱۳۹۷: ۲۷)

سیاست های رژیم صهیونیستی برای مقابله با گسترش حضور ایران در شامات

یکی دیگر از چالش های حضور ایران در سوریه به سیاست ها و اقدامات رژیم صهیونیستی علیه نیروهای ایرانی و سوری بویژه در جولان بازمی گردد. درواقع، نگرانی اسرائیل از افزایش عمق استراتژیک ایران و حضور در نزدیک مرزهای آن و بالتبع تقویت انسجام محور مقاومت و برهم زدن

توازن موازنه تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران سبب شده که بر اساس منابع این رژیم از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی، بالغ بر ۴۰۰ بار علیه مواضع ایران و متحدانش در منطقه حمله نظامی صورت گیرد. (Nissenbaum, 2021) در واقع، اسرائیل با حمله به سکوها‌های موشکی و حتی نیروهای ایرانی مستقر در سوریه، مخالفت خود با حضور ایران و متحدان آن در مرزهای خود با سوریه را ابراز کرده است. (عبد الحفیظ محبوب، ۲۰۲۰: ۲۶۴) بر این اساس، هم اکنون تلاش‌های رژیم صهیونیستی در سه محور متمرکز شده است: حمله به استحکامات نظامی ایران و رهگیری انتقال تسلیحات به ویژه سلاحهای پیشرفته به حزب الله؛ فشار بر روسیه برای مهار، محدود کردن نفوذ نیروهای نیابتی و در صورت لزوم عقب نشینی نیروهای ایرانی در کنترل روسیه از مرز رژیم صهیونیستی به ویژه در منطقه قنطره و بلندیهای جولان؛ فشار بر ایالات متحده برای به تعویق انداختن خروج کامل نیروهای خود از شرق سوریه و منطقه التنف برای قطع روابط نظامی ایران بین عراق و سوریه و جلوگیری از تسلط ایران در این منطقه راهبردی (۵۰: ۲۰۲۰-۵۵ Dekel) این شواهد نشان می‌دهد که اسرائیل و امریکا با هدف تحت فشار قرار دادن ایران در سوریه، در حال فعال کردن «حلقه آناکوندا» است. بمباران نیروهای ایرانی در سوریه توسط اسرائیل، وقایع ارمنستان و داستان پایگاه‌های آمریکایی در قزاقستان - همه اینها در پس زمینه فشار واشنگتن - تل آویو بر تهران، به یک زنجیره یعنی فعال شدن "حلقه آناکوندا" مرتبط است (A. и A. Рюмины · 2022).

ضعف در دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای

یکی از مهمترین چالش‌های نقش آفرینی ایران در سوریه به ضعف در دیپلماسی عمومی و رسانه ای آن بازمی‌گردد. در واقع همانگونه که اشاره شد، اگرچه اقدامات ایران در سوریه کاملاً در قالب اصول و قواعد حقوق بین‌الملل قابل تبیین و مشروع است اما متأسفانه ضعف در دیپلماسی ایران در قبال جنگ سوریه سبب شده که نه تنها در برخی کشورهای عربی - حتی عراق و سوریه که ایران به مبارزه با داعش در آنها پرداخته است - بلکه حتی در داخل ایران نیز تبیین دقیقی در افکار عمومی نسبت به اهداف، منافع و الزامات حضور ایران در سوریه صورت نگیرد که این مساله، با افزایش برخی مشکلات اقتصادی در داخل کشور، تداوم نقش آفرینی آن در سوریه را با چالش مواجه می‌سازد.

چالش‌ها و محدودیت‌های داخلی و بین‌المللی ناشی از تحریم

اگرچه همسویی و همگرایی منافع سیاسی نقش مهمی در ائتلاف سازی میان کشورها دارد اما مسلماً تقویت روابط اقتصادی و تجاری و همگرایی در این زمینه ضامن تداوم روابط آنان به حساب می‌آید. در این شرایط، یکی از چالش‌های نقش‌آفرینی موثر ایران در سوریه به محدودیت‌های داخلی و بین‌المللی ناشی از تحریم ایران و سوریه بویژه عدم دسترسی به نظام انتقال پول باز می‌گردد. این مساله در کنار عدم آمادگی بخش‌های مختلف اقتصادی برای حضور در بازار سوریه بویژه بخش خصوصی، مانع مهمی را فراروی تقویت نقش‌آفرینی ایران در سوریه بوجود آورده است.

بایسته‌ها و ملاحظات چشم‌انداز حضور جمهوری اسلامی ایران در سوریه

با توجه به آنچه گفته شد، اگرچه حضور ایران در سوریه کاملاً منطبق بر منطق رئالیستی روابط بین‌الملل و در راستای موازنه تهدید صورت گرفته و کاملاً بر اساس مبانی حقوق بین‌الملل قابل تبیین است اما شرایط کنونی روابط ایران و سوریه نشان دهنده نقش‌آفرینی مطلوب جمهوری اسلامی ایران در دوره پسابحران این کشور نیست. براین اساس، بایسته‌ها و ملاحظات زیر در چشم‌انداز حضور جمهوری اسلامی ایران در سوریه باید مورد توجه قرار گیرد:

تدوین راهبرد منسجم و جامع

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت برتر منطقه‌ای باید برای دوره پسابحران سوریه راهبردی منسجم و جامع را طراحی و اجرا کند. در این زمینه، توجه به محدودیت‌ها، فرصت‌ها، حساسیت‌های بازیگران داخلی و خارجی، محیط فرهنگی و اجتماعی سوریه و... اهمیت بسیاری در موفقیت این راهبرد دارد.

تقویت روابط با روسیه در دوره پسابحران اوکراین

اگرچه جمهوری اسلامی ایران و روسیه در برخی اصول، اهداف و منافع در سوریه اتفاق نظر ندارند اما بحران اوکراین زمینه مناسبی را برای تقویت هماهنگی میان دو کشور و تضعیف نقش سایر بازیگران بویژه رژیم صهیونیستی در مناسبات آنان در سوریه دارد. استفاده از این فرصت می‌تواند به تقویت نقش‌آفرینی و حضور ایران در سوریه کمک شایانی کند.

مقابله موثر با سیاست های تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی

سیاست مداخلات و احتیاط ایران در قبال اقدامات رژیم صهیونیستی در خارج از ایران بویژه در حمله به نیروهای ایرانی و سوری در خاک سوریه و یا اقدامات خرابکارانه آن در داخل کشور علیه تاسیسات هسته ای و یا اقدام به ترور دانشمندان هسته ای و مقامات نظامی جمهوری اسلامی ایران سبب شده تا این رژیم دچار سوء برداشتی نسبت به سیاست و واکنش احتمالی ایران گردد. در این چارچوب، استقرار و فعال سازی سامانه های ضد موشک و هماهنگی با نیروهای روسی در فعال سازی سامانه اس ۳۰۰- تحت تاثیر تنش هایی که در روابط آن با رژیم صهیونیستی شکل گرفته است- و فعالیت های حقوقی و سیاسی و دیپلماتیک و... می تواند نقش مهمی در تقویت جبهه مقاومت و نقش آفرینی ایران به عنوان قلب محور مقاومت در سوریه که ستون فقرات این محور به حساب می آید باشد.

تقویت دیپلماسی عمومی و رسانه ای حضور ایران در سوریه

امروزه نقش مقوله هایی مانند قدرت نرم، جنگ نرم، افکار عمومی، دیپلماسی مجازی و... همسنگ با قدرت نظامی یک کشور به حساب می آید. در واقع، تحول قدرت در سیاست جهانی سبب شده که غفلت از این مقوله ها، چالش ها و مشکلات جدی را فراروی راهبرد کشورها در مناسبات بین‌المللی قرار دهد. در این چارچوب، همانگونه که اشاره شد، با توجه به ضعف دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در این زمینه، انفاع سازی افکار عمومی داخلی و منطقه‌ای نقش مهمی می تواند در افزایش حضور ایران در سوریه داشته باشد. در این خصوص، توسعه شبکه ماهواره ای عربی زبان «العالم» «الکوثر» و «آی فیلم»، تولید ویژه برنامه «نبض الشرق» در شبکه سما سوریه، ایجاد یک واحد دانشگاهی توسط دانشگاه تربیت مدرس، پذیرش دانشجویان سوری در دانشگاه‌های ایران، برپایی نمایشگاه هنر در دانشگاه تشرین، عقد تفاهم نامه میان سازمان سینمایی ایران و سوریه از اقدامات ایران در حوزه دیپلماسی عمومی و رسانه ای در کشور سوریه می باشد که باید تقویت گردد. (حشمت زاده، حمیدفر، قائمی: ۱۴۰۰: ۳۳-۳۲)

تقویت سیاست همسایگی و تلاش برای تنش زدایی و بهبود روابط با عربستان

ارتقای مشروعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران با مقابله با منزوی سازی و محدودسازی ایران از طریق افزایش تعامل و مشارکت فعال در کلیه سازوکارها و سازمانهای منطقه‌ای با استفاده از دیپلماسی دو و چندجانبه قابل انجام است. در این زمینه با توجه به اینکه روابط دو کشور ایران و عربستان بر بخش زیادی از تحولات منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا سایه انداخته است، تداوم تنش‌ها و روابط خصومت‌آمیز کنونی می‌تواند پیامدهای منفی متعددی را برای راهبرد ایران در منطقه و از جمله در سوریه به دنبال داشته باشد. (Imad and William, 2020: 67)

تقویت زمینه‌های حضور بخش خصوصی در اقتصاد سوریه

مدیریت بندر لاذقیه از سال ۱۳۹۷ در اختیار ایران بوده و قرار است بخش خصوصی راه آهن شلمچه به بصره و سپس بندر لاذقیه متصل نماید. دولت ایران در دی ماه ۱۳۹۵ با دولت اسد پنج سند همکاری امضا کرد. واگذاری پنج هزار هکتار از اراضی کشاورزی، واگذاری معدن فسفات شرقیه، واگذاری هزار هکتار زمین برای احداث مخازن و پایانه‌های نفت و گاز، واگذاری پروانه اپراتور تلفن همراه و طرح ایجاد گاوآورداری صنعتی برای اجرا در سوریه به بخش خصوصی ایران واگذار شد. (Baladi 2017) احداث کارخانه سیمان به ظرفیت تولید یک میلیون تن در سال، احداث ۱۰ واحد سیلوی ۱۰۰ هزار تنی، بازسازی نیروگاه به ظرفیت ۳۵۰ مگاوات، طرح انتقال آب، کارخانه تولید خودرو با مشارکت خودرو سازی "سی وی آو" در اطراف شهر حمص، تأسیس پست‌های برق توسط دو شرکت ایرانی صفا نیکو و پارسیان ۱۶ به ارزش ۳۶ میلیون دلار، امضای قرار دادی به ارزش ۲۷۰ میلیون دلار جهت احداث یک کارخانه خصوصی برق توسط شرکت آذر آب از جمله مهمترین این اسناد همکاری می‌باشد (Hatahet: 2019) مسلمانان عملیاتی شدن اینگونه پروژه‌ها می‌تواند نقش مهمی در تقویت مناسبات دو کشور و افزایش نقش آفرینی ایران در سوریه داشته باشد.

با توجه به آنچه گفته شد، مدل مطلوب تاکتیکی یا راهبردی در خصوص نقش جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه و شرایط پس‌بحران در این کشور در چارچوب اصول حاکمیت و مداخله در سیاست جهانی و حقوق بین‌الملل نیازمند توجه به چالش‌ها و محدودیت‌های میدانی و کاربست بایسته‌ها و ملاحظات فوق‌الذکر است. در این مدل، ایران علاوه بر تداوم روابط سیاسی-

امنیتی باید با افزایش همگرایی اقتصادی و تقویت حضور در بازارهای سوریه و فعالیت های تجاری آن، به افکار عمومی داخل کشور و همچنین افکار عمومی در کشور سوریه و جهان عرب نیز توجه بیشتری را مبذول کند.

نتیجه گیری

بحران سوریه به دلیل تأثیرگذاری مستقیم آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، جزء اولویت های سیاست خارجی و دفاعی کشور است؛ از آنجا که سوریه حلقه واسط میان ایران و محور مقاومت به شمار رفته، هرگونه تغییر رژیم در این کشور منجر به تضعیف راهبرد سیاست خارجی ایران در حمایت از نیروهای مقاومت می شود؛ تداوم بحران در سوریه رویکرد رژیم صهیونیستی در منطقه به ویژه در قبال ایران را از حالت تدافعی به تهاجمی تغییر داده و امنیت ملی ایران را با چالش جدی مواجه نموده است؛ از سوی دیگر، تداوم بحران در سوریه به پرنگتر شدن حضور نیروهای تکفیری در سوریه و حتی عراق انجامیده که می تواند در میان مدت، امنیت فیزیکی (مرزی) ایران را به مخاطره اندازد. لذا دولت ایران با استناد به حق دفاع مشروع و مداخله با دعوت و رضایت دولت سوریه، با هدف تأمین منافع ملی خود در چارچوب نظریه واقع گرایی تدافعی نقش محوری در بحران سوریه ایفا کرده است. در واقع، نقش جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه را می توان کاملاً مبتنی بر رویکردی واقعگرایانه و بر اساس همپوشانی منافع و امنیت ملی ایران و دولت و ملت سوریه نیز تبیین نمود زیرا که با پیروزی گروه های بنیادگرای سلفی در سوریه و همگرایی آنان با سایر گروه های سلفی تکفیری در منطقه و تشکیل و تثبیت دولت خلافت اسلامی در عراق و سوریه، نه تنها حاکمیت نظام سوریه با چالش اساسی ای مواجه می شد بلکه منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، محور مقاومت و ژئوپلیتیک شیعه نیز در معرض یک تهدید مستقیم و درازمدت قرار می گرفت که هزینه های بسیار بیشتری را برای آنان به دنبال داشت. براین اساس، با درک محیط آشوبناک خاورمیانه و بازی با حاصل جمع صفر شکل گرفته در بحران سوریه، جمهوری اسلامی ایران، با استناد به اصالت حاکمیت و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل و متکی بر مداخله با دعوت و رضایت از سوی دولت سوریه و در چارچوب رئالیسم تدافعی، حفظ امنیت خود را از امنیت سوریه آغاز کرده است. بااین وجود، متأسفانه با

توجه به ضعف دیپلماسی رسانه ای و فرهنگی ایران در این زمینه، نه تنها در بسیاری از آثار پژوهشی موجود، منطق رفتار ایران در سوریه از دیدگاه اصول حاکم بر سیاست جهانی و همچنین قواعد موجود در حقوق بین الملل به درستی تبیین نشده بلکه این مساله به دلیل غفلت دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، برای افکار عمومی داخلی و منطقه ای و حتی برای مردم کشورهای عراق و سوریه نیز به درستی ارائه نگردیده که زمینه برخی سوء برداشت ها و حتی پذیرش برخی روایت های مخدوش و غیرواقعی از نقش ایران در تحولات این کشورها شده است. براین اساس، ضرورت دارد با توجه به فضاسازی رسانه ای که در مورد حضور ایران در سوریه ایجاد شده است، دیپلماسی عمومی و رسانه ای قوی و کارآمدی در راستای اقناع نخبگان و افکار عمومی داخلی، منطقه ای و بین المللی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پیگیری شود.

فهرست منابع

- اخوان کاظمی، مسعود و ویسی، سارا (۱۳۹۱). نگاهی گذرا به قدرت یابی علویان، ماهنامه اخبار شیعیان، سال هشتم شماره ۸۴.
- اکرمی نیا، محمد (۱۳۹۲). راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال شانزدهم، شماره دوم.
- بازرگان، ابوالفضل و پوراحمدی، حسین (۱۳۹۷). ابعاد سیاسی و امنیتی حمایت از سوریه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال نهم، شماره ۳.
- حشمت‌زاده، محمدباقر و حمیدفر، حمیدرضا و قائمی، یاسر (۱۴۰۰). راهبرد ایران و ترکیه در مدیریت بحران در منطقه غرب آسیا مطالعه موردی بحران سوریه، دو فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۸.
- حکیم، حمید و غلامی، سعید (۱۳۹۹). بحران سوریه؛ چالش‌ها و فرصت‌ها (با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران و رژیم اسرائیل)، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۹، شماره ۲.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). دیدار رئیس‌جمهور سوریه با رهبر انقلاب، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، بازبینی شده در ۵ خرداد ۱۴۰۱.
- رضازاده، میثم و نجفی، سجاد (۱۳۹۵). جایگاه سوریه در سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۱-۲۰۱۵)، فصلنامه سیاست دفاعی، دوره ۲۴، شماره ۹۵.
- رمضانی، قوام آبادی و محمدحسین پیری، حیدر (۱۳۹۷). مشروعیت مداخله نیروهای ائتلاف علیه داعش در عراق و سوریه در چارچوب حقوق بین‌الملل، فصلنامه حقوقی بین‌المللی سال ۳۵، شماره ۵۸.
- زمانی، سید قاسم و زمانیان، سورنا (۱۳۹۵). جایگاه دکترین مسئولیت حمایت در بحران سوریه، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۳.
- سعیدی، مجید و لهراسی، امیر (۱۳۹۷). مشروعیت یا عدم مشروعیت حضور نیروهای خارجی در سوریه در پرتو اصول حقوق بین‌الملل (با تأکید بر حضور نظامی جمهوری اسلامی ایران) کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۵). اصول روابط بین‌الملل الف و ب، تهران: نشر میزان.
- صادقی، سیدشمس‌الدین و لطفی، کامران (۱۳۹۴). تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه، جستارهای سیاسی معاصر، سال ششم، شماره اول.
- عزتی، محسن (۱۳۹۷). بررسی سیاست خارجی روسیه در بحران سوریه ۲۰۱۷-۲۰۱۶، پژوهش‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی، شماره ۲۲.

- کاظم پور، ذکریا و بهرامی، محسن (۱۳۹۷). الگوی ارزیابی تهدیدات هوشمند آینده به روش تحلیل کالبدی تهدید، فصلنامه آینده پژوهی دفاعی دوره ۳، شماره ۱۰.
- کشیشیان سیرکی، گارینه و سهیلی نجف آبادی، سهیل (۱۳۹۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات خاورمیانه (بیداری اسلامی) با تأکید بر بحران سوریه، دوره ۱۰، شماره ۳۷.
- لوکوک، پی‌یر (۱۳۸۲). کتیبه‌های هخامنشی، ترجمه نازیلا خلخالی، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- محمدی، سامان و ذاکریان، مهدی (۱۳۹۹). نقش هویت در شکل‌دهی و هدایت سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۳، شماره ۲.
- مشیر زاده، حمیرا (۱۳۹۰). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- میراحمدی، منصور و ولد بیگی، علی‌اکبر (۱۳۹۵). تروریسم و عملیات استشهادی، فصلنامه سیاست متعالیه، سال چهارم شماره ۱۲.
- نجات‌پور مجید و وهاب زاده محمود (۱۳۹۸). نقش بحران سوریه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه اندیشه معاصر سال دوم شماره ۲.
- هاشمی، محمد (۱۳۸۲) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دادگستر
- هینتس والتر (۱۳۹۲). داریوش و ایرانیان: تاریخ فرهنگ و تمدن هخامنشیان، تهران: نشر ماهی.
- عبدالحفیظ محبوب، عبد الرحیم (۲۰۲۰) الدور السعودی فی مواجهة النفوذین الإيراني والترکی فی المنطقه، لندن: کتب ال تی دی.
- یلعون موشی (۲۰۰۸) سباق ایران علی الأعلویه الإقليمية: المضامين الإستراتيجية بالنسبة إلى الشرق الاوسط (قراءات اسرائیلیه)، بیروت: مرکز القدس للشئون العامه.
- فایز، عبدالقادر (۲۰۱۷). روسيا وإيران: حدود التعاون والتنسيق فی سوريا، مرکز الجزیره للدراسات.
- Лариса Александровна Шашок (2022) Арабское золото против иранского булата. Версия для печати. Обсудить на форуме https://nvo.ng.ru/gpolit/2022-04-21/11_1186_gold.html
- A. и A. Рюмины (2022) Кольцо Анаконды. Иран. Хроники. Селфпаб, Москва. ISBN 5041769753, 9785041769758
- Azizi Hamidreza (2019). Iran in Syria: Decision-Making Actors, Interests and Priorities, workshop on: The emerging security dynamics and the political settlement in Syria, Syracuse, Italy, October 18.
- Enab Baladi (2019): <https://english.enabbaladi.net/archives/2017/06/syrian-phosphate-war-tehrans-large-acquisition-versus-little-interference-opposition/>
- Bassiri Tabrizi Aniseh, Pantucci Raffaello (2016). Understanding Iran's Role in the Syrian Conflict, Rusi organization think tank, August 1.
- Udi, Dekel (2020) A- Post Soleimani Opportunity Removing Iran from Syria Tel Aviv INSS
- Gilpin, Robert. (2001). Global Political Economy: Understanding the International Economic Order, Princeton: Princeton University Press.
- National Council of Resistance of Iran-US Office, (2016) How Iran Fuels Syria War: Details of the IRGC Command HQ and Key Officers in Syria. Ncri U. S. Representative Office. ISBN1944942904, 9781944942908

- Nuruzzaman Mohammed (2021). Does realism explain the Arab Spring? Neorealist alliance formation theories and the Syrian civil war, *International Journal*, Vol. 76, Issue 2.
- Person Robert (2017). Balance of threat: The domestic insecurity of Vladimir Putin, *Journal of Eurasian Studies*, Vol. 8, Issue 1.
- Randa Slim (2015). Is Iran Overstretched in Syria? *Foreign Policy*, April 17.
- ShahidSaless Shahir (2015). Iran's Plan to Confront a Post-Assad Era, *Huffington Post*, November 9.
- Wallsh, David (2013). Syrian Alliance Strategy in the Post-Cold War Era: The Impact of Unipolarity, *the Fletcher Forum of World Affairs*, Vol. 37, No 2.
- Mansour Imad, . Thompson R William (2020) *Shocks and Rivalries in the Middle East and North Africa*. Georgetown University Press
- Wilmshurst Elizabeth (2013). *Syria and International Law: Use of Force and State Responsibility*, Chatham House.

